

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال یازدهم / دوره جدید / شماره ۴۴ / تابستان ۱۳۹۵
صص ۸-۲۰

بررسی مبانی هم‌گرایی اقتصادی جهان اسلام در قرآن و حدیث

• محمد امامی

استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)

dr.imami@razavi.ac.ir

• محمد شمس‌الدین دینانی تیلکی

مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

dayanimms@mums.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۹

چکیده

امروزه اقتصاد فراتر از معیشت و دادوستد مطرح است. نقش آن در اقتدار آفرینی برای اقوام و ملت‌ها، روشن و آشکار است. اقتصاد جهانی برخلاف آوازه زیبایی‌اش، به دنبال تسهیل متعادل مبادلات بین‌المللی برای همه کشورها نیست، بلکه هدف آن ایجاد محدودیت و بهره‌کشی از ملت‌های ضعیف‌تر است. در این میان، هدف از تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی، برای کشورهای سلطه‌گر در راستای سلطه بیشتر و برای سایر کشورها، دفاع از حقوق و منافع تجارت، تولید و سرمایه ملی است. موضوع این پژوهش بررسی مبانی هم‌گرایی اقتصادی جهان اسلام است، از این رو، آیاتی از قرآن که بر لزوم وحدت و هم‌گرایی، آمادگی همه جانبه در مقابل دشمن و حفظ عزت مؤمنان دلالت دارند و آیه نفی سبیل و روایاتی از قبیل: حمایت پیامبر(ص) از تشکیل بازار در مدینه، ممنوعیت صرافی برای اهل ذمه در برهه‌ای از زمان، منع استفاده از کالای اساسی خارجی و لزوم خودکفایی مسلمانان، مورد بررسی قرار می‌گیرند و این نتیجه حاصل می‌شود که ضرورت تشکیل «اتحادیه اقتصادی جهان اسلام» با توجه به نیازهای جامعه، غیرقابل انکار است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، حدیث، جهان اسلام، استقلال، هم‌گرایی اقتصادی.



مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی

سال یازدهم
شماره ۴۴ - تابستان ۱۳۹۵

مقدمه

در جهان امروز، اقتصاد بیش از قدرت نظامی، قوام دهنده دولتها و ملتها است. نقش اقتصاد فراتر از معیشت و دادوستد، در قوام و اقتدار آفرینی اقوام و ملتها، روشن و آشکار است. اقتصاد جهانی برخلاف نام و آوازه زیبایش، موجب تسهیل آزاد و متعادل مبادلات بین‌المللی برای همه کشورها نیست، بلکه هدف آن منفعت جویی فرصت طلبانه و ایجاد محدودیت و بهره‌کشی از ملتهای ضعیف‌تر بوده و در این میان، هدف از تشکیل اتحادیه‌های اقتصادی، برای کشورهای سلطه‌گر در راستای سلطه بیشتر و برای سایر کشورها، دفاع از حقوق و منافع تجارت، تولید، مصرف و سرمایه‌های شخصی است.

این جستار به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا با استناد به منابع کهن و اصیل اسلامی به ویژه قرآن کریم و روایات، می‌توان از ضرورت تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام، به عنوان اهرمی برای هم‌گرایی بیشتر کشورها و در نتیجه حفظ استقلال جهان اسلام استفاده نمود، یا خیر؟ قبل از پاسخ، به منظور روشن شدن موضوع به نکات زیر اشاره می‌شود:

۱. در دنیای امروز استقلال، مجد و عظمت دولتها و ملتها در همه ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سخت در هم آمیخته است و تفکیک آنها به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نیست. در این میان نقش خطیر و حساس قدرت و استقلال اقتصادی بسیار حائز اهمیت است. در جهان معاصر کشورهایی که از توان اقتصادی کافی برخوردار نباشند، حتی با تکیه بر قدرت نظامی برتر خود، در درازمدت نمی‌توانند حرف اول را بزنند و برای تأمین نیازهای خود، مجبورند دنباله‌رو سیاست قدرتهای اقتصادی برتر باشند. نمونه آن کاهش و افول نفوذ مؤثر کشورهای اروپایی در طی دوران جنگ سرد، به دلیل برخی از مشکلات و گرفتاریهای سیاسی و به ویژه اقتصادی ناشی از دو جنگ جهانی اول و دوم در منطقه خاورمیانه است که نقش خود

را به عنوان یک قدرت مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی از دست دادند.^۱

۲. در جهان معاصر تمام کشورها، حتی غولهای اقتصادی و قدرتهای برتر سیاسی دریافته‌اند که تک‌روی به نفع آنان نیست و برای نیل به اهداف بلندمدت خود، باید با قدرتهای دیگر جهان، تعامل و هماهنگی داشته باشند. در نتیجه هر روز شاهد تشکیل اتحادیه‌های جدید در زمینه‌های مختلف سیاسی، نظامی و به ویژه اقتصادی هستیم. از جمله اتحادیه اروپا که در قالب یک مجموعه هم‌گرا و قدرتمند در ساختارهای جهانی تأثیرگذار است، توانسته در قالب یک بلوک اقتصادی قدرتمند نقش و جایگاه مناسبی را در نظام بین‌الملل کسب نماید و دیپلماسی اقتصادی فعالی را در قبال کشورهای منطقه خلیج فارس به کار برد.^۲ همچنین اتحادیه اقتصادی اوراسیا، سازمان همکاریهای اقتصادی یا اوپک و ... که در بسیاری از آنها کشورهای قدرتمند نیز عضویت دارند. بنابراین امروزه اغلب کشورها مشکلات خارجی خود - به خصوص در ابعاد اقتصادی - را در قالب سازمانهای فراملی حل و فصل می‌نمایند.

۳. جهان اسلام دارای دشمنان متعددی است که همه آنها - به‌رغم اختلافات احیاناً شدیدی که دارند - در تخریب و تضعیف دولتها و ملتهای اسلامی وحدت نظر دارند و در راستای نیل به این هدف، از هیچ کوشش و توطئه‌ای فروگذار نمی‌کنند. این دشمنان و در رأس آنها صهیونیسم جهانی، به دنبال این هستند که همه قدرتهای جهان به ویژه قدرت اقتصادی و از جمله قدرت اقتصادی جهان اسلام را قبضه کنند و بر آن مسلط شوند که این امر حرکت جهان اسلام را برای دفاع از حقوق خود، می‌طلبد. در این شرایط اگر مراکز تأثیرگذار جوامع اسلامی و دولتها بخواهند در برابر این قدرتها و شیطنتها، خودی نشان دهند،

۱. نقش اتحادیه اروپا در روند اقتصادی کشورهای خلیج فارس،

ص ۸۶.

۲. همان، ص ۵۷.





راهی جز انسجام و وحدت و برقراری رابطه و تعامل مؤثر با یکدیگر در تمام زمینه‌ها - به ویژه در زمینه اقتصادی که بسترساز سایر ابعاد است - نخواهند داشت که براساس منشور سازمان کنفرانس اسلامی از جمله اهداف تشکیل آن، ایجاد همین انسجام و هم‌گرایی بین اعضای آن است.^۲

۴. زمینه‌ها و عوامل بسیاری وجود دارد که می‌تواند در ایجاد و افزایش وحدت در بین ملت‌های اسلامی مؤثر باشد. به‌رغم اختلاف مردم منطقه از نظر قومی، زبانی، نژادی و حتی مذهبی، عوامل متعددی وجود دارد که می‌تواند محور اتحاد باشد. برخورداری مردم منطقه از فرهنگی کهن و ریشه‌دار، اشتراکات فراوان عقیدتی و آیینی مانند اعتقاد به توحید، نبوت و اهل بیت و جایگاه آنها، مناسک مشترک نماز جمعه، حج و جهاد به عنوان نهادی تدافعی و بازدارنده در مقابل دشمنان جامعه اسلامی، تمرکز اکثریت کشورهای اسلامی در منطقه‌ای که دارای اهمیت جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است، وجود منابع غنی و تنوع آب و هوایی منطقه و نیز نیروی کار مناسب و امکان تأمین نیازهای این منطقه در صورت تعامل بین کشورهای آن، از عوامل مؤثر در این امر است. منافع مشترک نیز می‌تواند به این مهم کمک نماید. یکی از عوامل مثبت در این میان، سازمان همکاری‌های اسلامی است که ۵۷ عضو دارد و از بزرگ‌ترین سازمان‌های بین‌المللی است. وجود این سازمان به منزله آماده بودن مقدمات برای تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام است، چه اینکه در قالب آن می‌توان اعضا را گرد هم جمع و از امکانات آن در این راستا استفاده کرد. در منشور این سازمان، ارتقای همبستگی اسلامی، حمایت از همکاری میان کشورهای عضو در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و ... و مشورت میان کشورهای عضو در سازمان‌های بین‌المللی، تلاش به منظور محو تبعیض نژادی، و خاتمه بخشیدن به

۳. قانون منشور کنفرانس اسلامی، ماده ۲، بند ۲.

استعمار در تمام اشکال آن آمده است.^۴ بیداری طیف وسیعی از مسلمانان تأثیرگذار نیز، شرایط را برای تحقق این هدف مقدس؛ یعنی همکاری و تعامل مؤثر در همه ابعاد - به خصوص در بعد اقتصادی و تجاری - مهیا ساخته است.

۵. هم‌گرایی و تشکیل اتحادیه‌ها از جمله «اتحادیه اقتصادی جهان اسلام» هرگز به معنای قطع رابطه با کشورهای بزرگ و کوچک دیگر جهان نیست؛ زیرا امروزه جهان با همه بزرگی‌اش، به دلیل ارتباطات شگفت‌انگیزی که همه معادله‌ها را برهم زده، به یک دهکده کوچک تبدیل شده است که فکر جدایی در چنین دنیایی را غیرمنطقی می‌نماید. بنابراین تعامل کشورهای اسلامی با یکدیگر و همچنین تشکیل اتحادیه اقتصادی برای تأثیر هرچه بیشتر قدرت اقتصادی جهان اسلام بر جهان پیچیده امروز است. این ایده آرمانی، غیرقابل وصول نیست، چه اینکه بسیاری از منابع و ذخایر استراتژیک و حساس از جمله معادن عظیم نفت جهان و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف جهان که در اقتصاد و تولید بسیار مؤثر است، در اختیار آنان است. این در حالی است که جمعیت مسلمانان حدود یک و نیم میلیارد نفر (حدود ۲۵٪ جمعیت کل جهان) است که تأمین‌کننده نیروی کار مناسب برای تولید است و خود زمینه را برای امکان رقابت در بازارهای جهانی، مهیا می‌سازد. شایان ذکر است که دست زدن به چنین اقدام بزرگی، توجه و همفکری سران کشورهای اسلامی و دانشمندان را برای پیشگیری از موانع و مشکلات پیش رو می‌طلبد. این موانع عبارتند از:

الف) بی‌توجهی سیاستمداران، فرزندان و اندیشمندان نسبت به اهمیت این موضوع و جایگاه آن در آموزه‌های اسلامی یا بی‌تفاوتی آنها نسبت به استقلال و عظمت جهان اسلام به عنوان یک مجموعه در

۴. نگاهی به تاریخچه فعالیتهای سازمان همکاری‌های اسلامی، صص ۳ و ۴.

مقابل سایر قدرتها.

ب) رابطه نسبتاً ضعیف سیاسی، اقتصادی و تجاری در بین کشورهای اسلامی. اغلب کشورهای اسلامی عمده نیازهای خود را از سایر قدرتهای بزرگ اقتصادی تأمین می‌نمایند و بیشتر روابط تجاری آنها با آن قدرتها است.^۵

ج) ضعف زیربنایی کشورهای اسلامی و کمبود راههای ارتباطی، به طوری که گاهی صادر و وارد کردن کالاها از کشورهای دور مقرون به صرفه‌تر از یک کشور نزدیک و گاه از یک کشور همسایه است. این مقاله به بررسی حکم فقهی چنین پدیده‌ای اختصاص دارد و در راستای تبیین این مسئله است که آیا تشکیل چنین اتحادیه‌ای لازم و پسندیده یا نکوهیده است؟ اگر دانشمندان و دولتمردان کشورهای اسلامی به این نتیجه برسند که تشکیل اتحادیه مشترک اسلامی می‌تواند نقش مهمی در حل مشکلات اقتصادی داشته باشد و این کار اقدامی واجب و یا حداقل از نظر شرعی پسندیده و وظیفه شرعی آنها است، قطعاً به فکر برداشتن موانع و زمینه‌سازی برای تحقق آن خواهند افتاد و در نهایت چنین پدیده مبارکی رخ خواهد داد.

پیشینه بحث

تاکنون سخنرانیها و مقالات متعددی در مورد اهمیت و ضرورت اتحاد جهان اسلام و کشورهای اسلامی ارائه شده است. بعضی اصل ضرورت و اهمیت اتحاد را مورد بررسی قرار داده و بعضی ابعاد خاص آن را مد نظر داشته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به مقاله احمد مبلغی با عنوان «مبانی فقهی وحدت از دیدگاه علامه شرف‌الدین»^۶ اشاره نمود که بخش کوچکی از آن با عنوان «قاعده وحدت» در حد یک صفحه هم‌پوشانی دارد و نیز مقاله‌ای دیگر از همان نویسنده^۵ نقش اتحادیه اروپا در روند اقتصادی کشورهای خلیج فارس، ص ۸۷.

۶. «مبانی فقهی وحدت از دیدگاه علامه شرف‌الدین»، صص ۳-۱۴.

با عنوان «دلایل فقهی ضرورت تشکیل بازار مشترک اسلامی» به چاپ رسیده است. نویسنده اول مقاله حاضر نیز بخش کوتاهی از رساله دکتری خود را به «تشکیل بازار مشترک اسلامی»^۷ اختصاص داده و دلایل فقهی آن را بررسی کرده است. وی همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «نفی سلطه اقتصادی بیگانه در آموزه‌های قرآنی»^۸ به همایش قرآن و اقتصاد، ارائه نموده که در کتاب مجموعه مقالات قرآن و اقتصاد به چاپ رسیده است و بخشی از دلایل مقاله موجود را پوشش می‌دهد. اما ضمن تفاوت موضوعی مقاله پیش رو با تمام مقالات گذشته - یکی در مورد بازار مشترک و دیگری در مورد اتحادیه اقتصادی یا نفی سلطه اقتصادی - دلایلی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته، بیش از آنها است. احمد مبلغی در مقاله خود به سه قاعده «اقامه سوق مسلمانان»، «نفی سبیل» و «الاسلام یعلو» استدلال نموده،^۹ اما در این مقاله، با ترکیبی جدید، به دو دسته دلایل یعنی آیات قرآن و روایات استناد شده که آیات «لزوم وحدت مسلمانان»، «ضرورت آمادگی همه جانبه در مقابل دشمنان»، «ضرورت حفظ عزت مسلمانان»، «نفی سبیل» و «منافع موجود در مناسک حج» و روایات «تأسیس بازار در مدینه در زمان پیامبر و حمایت حضرت از آن»، «توصیه امیرمؤمنان به خود کفایی اقتصادی و عدم استفاده از کالای اساسی خارجی» و «ممنوعیت صرافی برای یهودیان در زمان خلافت امیرمؤمنان»، مورد بررسی قرار گرفته و مطلب به اثبات رسیده است.

مفهوم شناسی اتحادیه

اتحادیه که معادل واژه لاتین آن «Union»

۷. بررسی مبانی فقهی و حقوقی بازار مسلمانان، صص ۲۶۱-۲۷۳.

۸. «نفی سلطه اقتصادی بیگانه در آموزه‌های قرآنی»، صص ۱۲۷-۲۶۰.

۹. نک: «دلایل فقهی ضرورت تشکیل بازار مشترک اسلامی».





می‌باشد،^{۱۰} از ماده «وحد» و از مصدر «اتحاد» به معنی «اتفاق نظر، انضمام دو شیء یا به وجود آمدن یک شیء مرکب از چند چیز» است و در اصطلاح عبارت است از: «ایجاد یک منطقه اقتصادی متشکل از چند کشور که مقررات گمرکی و دیگر موانع را بر سر راه تجارت با خود حذف نموده و تعرفه‌های گمرکی مشترکی را در مقابل کشورهای غیرعضو گروه وضع کرده‌اند».^{۱۱}

آنچه در این مقاله دنبال می‌شود، این است که کشورهای اسلامی باید سازمانی شامل تمام یا بیشتر کشورهای جهان اسلام تشکیل دهند. سازمانی دارای سیاستهای اقتصادی مشترک که موجب اتحاد قوی در زمینه‌های تولیدی، گسترش بازار، ثبات رویه افزایش تولید، بهبود سطح زندگی و توسعه روابط هماهنگ بین کشورهای عضو شود. در نتیجه مبادلات تجاری، قوانین و احکام آنها مشترک بوده، نقل و انتقال کالا در درون مجموعه اعضای آن، آسان و با عوارض گمرکی کم یا بدون عوارض باشد و اعضای آن تصمیمات تجاری و اقتصادی مشترک اتخاذ نمایند و سایر اموری را که به نفع کل جهان اسلام است، به طور مشترک پیگیری نمایند.

مبانی هم‌گرایی اقتصادی

آیات قرآن کریم و روایاتی که بیان‌کننده جایگاه این مهم هستند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. البته نباید انتظار داشت که دلایل مورد استناد برای بررسی چنین موضوع جدیدی، به طور مستقیم بر مطلب دلالت داشته باشند، بلکه برای اثبات آن، استناد به عمومات، همانند بسیاری از موضوعات دیگر، کافی است.

۱) قرآن کریم

با توجه به برخی از آیات قرآن کریم، می‌توان جایگاه

تشکیل اتحادیه مزبور را برداشت نمود:

الف) ضرورت وحدت و هم‌گرایی اسلامی بعضی از آیات، مانند آیه ۹۲ سوره انبیاء، بر لزوم وحدت بین امت اسلامی دلالت می‌نماید: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»؛ «(ای مردم!) به یقین این (نوع انسانی) امت شماست و همه یک طائفه و یک ملتید».

گرچه برخی از مفسران امت را در این آیه به معنی دین دانسته‌اند،^{۱۲} اما در برخی از تفاسیر ذیل این آیه آمده است: «امت» یعنی جماعتی که «مقصد واحدی» را در پیش دارند^{۱۳} و رکن تشکیل امت همین اتحاد آنها است و در غیر مورد اتحاد چنین عنوانی صادق نمی‌باشد. یکی از بارزترین نمونه‌های اتحاد در جهان معاصر، اتحاد در زمینه‌های اقتصادی است و امروزه کشورهایی که فعالیت‌های اقتصادی مشترک دارند، از وحدت بیشتری در سایر زمینه‌ها برخوردارند. نمونه آن را می‌توان در اتحادیه اروپا و اوپک در شرایطی که اعضا دارای وحدت نظر باشند، مشاهده نمود.

خداوند متعال در آیه دیگر می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛^{۱۴} «و همگی به ریسمان الهی چنگ زبند و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید».

جصاص می‌گوید: مراد امر به تجمع امت اسلامی و نهی از تفرقه در بین آنها است و بسیاری از مفسران حبل الله را قرآن می‌دانند.^{۱۵} منظور از عدم تفرق در این آیه، اجتماع مسلمانان است، به گونه‌ای که فواید این اجتماع نصیب آنها گردد و به گفته بعضی از محققان، نهی از تفرقه شامل تمام انواع تفرقه‌ها است^{۱۶} که از جمله آنها تفرق در زمینه‌های اقتصادی است. این خود موجب پراکندگی کشورها به دلیل اختلاف در منافع می‌شود و در این صورت فاصله آنها از یکدیگر بیشتر شده، موجب آسیب‌پذیری بیشتر جهان اسلام

۱۲. روح المعانی، ج ۱۷، ص ۸۹؛ الکشف و البیان، ج ۶، ص ۳۰۵.

۱۳. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۱۱؛ المیزان، ج ۲، ص ۱۲۳.

۱۴. آل عمران، ۱۰۳.

۱۵. احکام القرآن، ج ۲، ص ۳۶. نیز نک: الکشف و البیان، ج ۳، ص ۱۶۱.

۱۶. رک: الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ج ۱، ص ۱۳۹.

۱۰. فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ص ۳۹۵.

۱۱. رک: فرهنگ گمرک و تجارت، ص ۴؛ تجارت بین‌الملل، ج ۱، ص ۱۶۳ و ۲۸۸.

در مقابل دشمنان است.

پیامبر(ص) در روایتی مردم را به اتحاد توصیه نموده و می‌فرماید: «همراه با جمعیت بزرگ انسانها باشید و از تفرقه به دور باشید که عدد کمی از انسانها طعمه شیطانند، همان‌طور که تعداد کمی از گوسفندان پراکنده طعمه گرگند».^{۱۷} ثعلبی ضمن تفسیر آیه به لزوم وحدت امت اسلامی، روایتی را از پیامبر(ص) نقل می‌کند که می‌فرماید: «خداوند از سه عمل شما خوشنود و سه عمل ناخوشایند او است. خوشایند او است که خدا را عبادت کنید و اطاعتش نمایید، به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید و شنوا و مطیع کسی باشید که خدا اداره امور شما را به وی سپرده است و ناخوشایند او است قیل و قال شما و پرسش بیش از حد و نابود کردن اموال و دارایی».^{۱۸}

اگر اتحادیه اقتصادی مشترکی در جهان اسلام تشکیل شود، زمینه اتحاد در امور سیاسی و نظامی نیز فراهم می‌گردد. این امر از سرازیر شدن منافع ملتهای اسلامی به جیب ابرقدرتهای اقتصادی جهان جلوگیری می‌کند و موجب قدرت بیشتر جهان اسلام خواهد بود، در این صورت این کشورها می‌توانند نیاز خود را آسان‌تر تأمین کنند و سلاح محاصره اقتصادی دشمنان اسلام نیز نمی‌تواند علیه یک کشور اسلامی کارایی داشته باشد.

ب) مناسک حج تجلی مرکز تجاری مشترک

قرآن کریم درباره فلسفه حج و زیارت خانه خدا می‌فرماید: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكُّبَ رَجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ».^{۱۹} «در میان مردم بانگ برآور تا برای انجام مراسم حج در مسجدالحرام حضور یابند. اگر آنان را فراخوانی، پیاده و سوار بر شترانی لاغر که از هر راه دوری فرا می‌رسند، نزد تو می‌آیند. تا منافع (مادی و معنوی) را که برایشان فراهم است، بنگرند».

۱۷. المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۱۵۶.

۱۸. الکشف و البیان، ج ۳، ص ۱۶۳.

۱۹. حج، ۲۷ و ۲۸.

در این آیه دعوت مردم به حج به صورت امر آمده است که ظهور در وجوب دارد، بنابراین این عمل بر پیامبر(ص) و پیروانش لازم و واجب است. چنان‌که در روایتی از ابن عباس آمده است: حضرت ابراهیم(ع) در محل مقام ایستاده و ندا داد: «فاجابوا بلبیک اللهم لبیک».^{۲۰} فلسفه این کار دیدن منافع مسلمانان و انجام مناسک می‌باشد. حال باید دید چه منافی در این مناسک وجود دارد؟

مناسک سالانه حج، تجمعی عبادی - اجتماعی و در حکم کنگره عظیم سالانه مسلمانان است که مسلمانان می‌توانند با اقوام، فرهنگها و آداب و رسوم مختلف آشنا شوند و نیازها و مشکلات یکدیگر را برطرف کنند. همچنین می‌تواند محلی برای تصمیم‌گیری جهت حل معضلات جامعه اسلامی - از جمله مشکلات اقتصادی - باشد. در گذشته مکه بر سر راه شام، ایران، چین و یمن قرار داشت که به عنوان یک بازار مرکزی بین‌المللی برای مردم این بلاد ایفای نقش می‌نمود. زائران کعبه (قبل و بعد از اسلام)، همواره کار تجاری هم انجام می‌داده‌اند و آنها که عازم مکه بودند، با خود مال‌التجاره می‌بردند و به دادوستد می‌پرداختند و کالاهای مورد نیاز خود را از مکه خریداری می‌کردند. حال باید دید عبارت «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» شامل منافع مادی هم می‌شود یا خیر؟ برای اثبات شمول منافع مادی قرآینی وجود دارد، از جمله:

۱. واژه منافع اطلاق دارد و شامل منافع معنوی و مادی است و نمی‌تواند به منافع معنوی اختصاص داشته باشد. اگر منظور فقط منافع معنوی بود (به ویژه در این زمینه که منافع مادی و تجاری فراوانی وجود داشته است)، باید قرینه‌ای برای این اختصاص ارائه می‌شد، در حالی که چنین چیزی وجود ندارد، بلکه قرینه بر عموم دلالت دارد.

۲. برداشت مفسران: تفاسیر وارد شده در این مورد نیز منافع را به منافع معنوی اختصاص نداده‌اند. برای

۲۰. مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۵.





مثال علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید: «و المنافع نوعان: منافع دنیوییه وهی التي تتقدم بها حياه الانسان الاجتماعيه و يصفوا بها العيش و منافع اخرويه».^{۲۱} برخی از مفسران اهل سنت نیز مانند بیضاوی و طبری در این مورد ضمن طرح احتمالات مختلف، نظریه تجارت یا اعم از منافع مادی و معنوی را می‌پذیرند.^{۲۲} ۳. روایات تفسیری: برخی از روایات وارد شده در بیان مفهوم منافع در این آیه، آن را به بازار و تجارت و مانند آن تفسیر نموده‌اند. برای مثال در «جامع البیان» روایتی از ابن عباس نقل شده که آن را به «اسواق» تفسیر نموده است.^{۲۳} در روایتی دیگر آمده است: از امام صادق (ع) سؤال شد که آیا منظور منافع دنیا است یا منافع آخرت؟ حضرت در پاسخ فرمود: «الکُلُّ».^{۲۴} برخی از منابع حدیثی اهل سنت مانند عمدة القاری نیز همین نظریه را مطرح نموده‌اند.^{۲۵} نکته قابل توجه اینکه منافع مادی، تجارت و یا بازار که در تفسیر این آیه مورد توجه قرار گرفته است، اختصاص به مردم شهر مکه یا سرزمین عربستان ندارد، بلکه یک بازار بین‌المللی است که شرکت کنندگان در آن، تمام مسلمانان زائر از سراسر جهان اسلام هستند و به تعبیر دیگر «بازار بین‌الملل اسلامی» مورد تأکید قرار گرفته که منافع تجاری و مادی آن، به نفع و صلاح تک تک زائران و کل جهان اسلام است.

ج) ضرورت آمادگی همه جانبه در مقابل دشمن قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛^{۲۶} «هر آنچه در توان دارید، برای مقابله با آنها [=دشمنان]،

آماده سازید! و (همچنین) اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید». سیاق آیه و ظاهر آن درباره جنگ با کفار و تهیه ساز و برگ نظامی است که یک ضرورت برای حفظ هر جامعه‌ای است. بسیاری از مفسران اهل سنت قوه را به رمی تعبیر کرده و برخی مانند ابن حجر مفهوم آن را مقداری توسعه داده و شامل مطلق ادوات جنگی دانسته‌اند.^{۲۷} ابن جریر طبری نیز تمام امکاناتی را که موجب برتری نظامی است، مطرح نموده است.^{۲۸} البته ادوات نظامی در زمانهای مختلف متفاوت است. برخی از محققان می‌گویند: «البته این قوه و نیرو فرق می‌کند؛ چه اینکه زمانی تیر و نیزه و شمشیر و منجیق بود و در عصر ما توپ است و تانک و طیاره و ...».^{۲۹} برخی نیز آن را به اتفاق کلمه تفسیر نموده‌اند.^{۳۰}

به نظر می‌رسد حکم آیه منحصر به ابزار نظامی نیست، بلکه ممکن است تعمیم داشته باشد و می‌توان گفت کلمه «مِنْ قُوَّةٍ» (همان‌طور که برخی^{۳۱} استفاده کرده‌اند)، هر عاملی را که موجب قدرت بازدارندگی جامعه اسلامی در برابر تهدیدات باشد، شامل می‌شود. عموم این واژه که به صورت «نکره» استعمال شده، شامل نیروی انسانی توانمند، اسلحه و جنگ‌افزار مدون، اقتصاد توانا و کارا، بازار قوی، قدرت تولید بالا، مدیریت صحیح، بالا بردن نظام اسلامی و مواردی از این قبیل است. به علاوه علتی که ذیل آیه مورد اشاره قرار گرفته است؛ یعنی ایجاد رعب و وحشت در دشمن، گرچه غالباً در اثر کثرت ادوات جنگی حاصل می‌شود، اما منحصر در آنها نیست. در تفسیر نمونه نیز در این مورد بیان شده است: «کلمه قوه نه تنها وسایل جنگی و سلاحهای مدرن هر عصری را دربر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرتهایی را که به نوعی از انواع

۲۷. فتح الباری، ج ۶، ص ۶۸.

۲۸. جامع البیان، ج ۱۰، ص ۳۹.

۲۹. تفسیر جامع آیات الاحکام، ج ۶، ص ۲۱۸.

۳۰. نک: عمدة القاری، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۳۱. رک: «اهداف اقتصاد اسلامی»، صص ۶۹-۹۵.

۲۱. المیزان، ج ۱۴، صص ۳۶۹ و ۳۷۰. نیز رک: التبیان، ج ۷، ص ۳۱۰؛

مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۶؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۷۴؛ تفسیر

مجاهد، ج ۲، ص ۴۲۲؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۲۲۶؛ الدر المنثور،

ج ۴، ص ۳۵۶.

۲۲. نک: انوارالتنزیل، ج ۴، ص ۱۲۳؛ جامع البیان، ج ۱۷، ص ۱۹۳.

۲۳. جامع البیان، ج ۱۷، ص ۱۹۲.

۲۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۶۵؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲۵. عمدة القاری، ج ۹، ص ۱۲۹.

۲۶. انفال، ۶۰.



در پیروزی بر دشمن اثر دارد، شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی ... از قدرتهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که آنها نیز در مفهوم قوه مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند، نیز نباید غفلت کرد».^{۳۲}

گرچه اکثر روایاتی که در منابع اهل سنت آمده، قوه را به رمی تفسیر نموده‌اند،^{۳۳} اما برخی از روایات وارد شده در تفسیر آیه، نیز چنین برداشتی را تأیید می‌نمایند. عیاشی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان آیه را به سلاح تفسیر نموده است.^{۳۴} اما علامه طباطبایی از من لایحضره الفقیه نقل می‌نماید: امام (ع) فرموده است: «یکی از مصادیق آن استفاده از خضاب سیاه است».^{۳۵} در الکافی نیز نقل می‌شود که امام (ع) فرمود: عده‌ای نزد امام حسین (ع) رسیدند و دیدند حضرت محاسن خود را خضاب نموده است. علت را سؤال کردند. حضرت فرمود: «پیامبر اکرم (ص) در برخی از غزوه‌هایی که انجام داد، دستور داد که سپاهیان خود را با خضاب سیاه نمایند، تا در مقابل دشمن قوی جلوه نمایند».^{۳۶}

بنابراین مطرح کردن اسلحه و شمشیر در تفسیر آیه از باب بیان «مصادیق» است، نه اینکه مراد آیه صرفاً همان باشد؛ زیرا بعضی آن را وحدت کلمه یا اطمینان به خداوند یا ... تفسیر نموده‌اند. بر این اساس، مسلمانان باید آنچه را که موجب خوف دشمن است و در مقابل مقاصد شوم توسعه‌طلبانه آنها قدرت بازدارندگی دارد، فراهم سازند، چه اینکه «مِن قُوَّة» یعنی: «ما تقوون به علی عده».^{۳۷} یکی از این قدرتها، به ویژه در عصر حاضر، قدرت اقتصادی است. امروزه کشوری که از نظر اقتصادی ضعیف باشد، هرچند از نظر نظامی

دلت مسلمانان شود. از این آیه و دو آیه قبل می‌توان استفاده نمود که آنچه موجب عظمت جهان اسلام و مسلمانان است، لازم و حرکت به سوی آن ضروری، و آنچه موجب ضعف و وابستگی مسلمانان به بیگانگان و تسلط آنها بر جهان اسلام است، از نظر شرعی مردود و حرام خواهد بود. از آنجا که این اتحادیه گامی به سوی استقلال و تقویت جهان اسلام در مقابل بیگانگان می‌باشد، تشکیل آن امری ضروری و لازم است و وظیفه همه مسلمانان و به ویژه دولتمردان است که برای تحقق آن تلاش نمایند.

ه) نفی سلطه بیگانه

قاعده نفی سبیل از دیگر دلایلی است که می‌توان برای

۳۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۲.

۳۳. المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۳۳۰.

۳۴. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۶۶.

۳۵. المیزان، ج ۹، ص ۱۳۰؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳۶. الکافی، ج ۶، ص ۴۸۱؛ موسوعه کلمات الامام الحسین، ص ۷۳۵.

۳۷. رک: التبیان، ج ۵، ص ۱۴۷؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۱۵۸.

۳۸. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۰۴.

۳۹. مناقفون، ۸.



اثبات ضرورت تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام به آن استناد کرد؛ زیرا اولاً؛ کوتاهی در تحقق اسباب استقلال اقتصادی کشورهای اسلامی، که تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام بدون تردید یکی از آن اسباب است، به معنای پذیرش سلطه و استیلای اقتصادی کشورها و قدرتهای بیگانه بر کشورها و امت اسلامی است که قطعاً سلطه در شئون سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی را نیز به دنبال خواهد داشت. ثانیاً؛ براساس آیه: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً»^{۴۰} «و خداوند راه سلطه کافران بر مؤمنان را نگشوده است»، خداوند متعال در عالم تشریح، سلطه و استیلای کافران را بر مؤمنان (و امت اسلامی) تشریح و تجویز نفرموده است، البته در آیه احتمالات دیگری چون عدم جعل سلطه و غلبه تکوینی در قیامت،^{۴۱} عدم وجود حجت در دنیا^{۴۲} و عدم وجود حجت در آخرت^{۴۳} وجود دارد، اما چنانکه محققان بزرگ اسلامی در تفسیر و توجیه آیه مطرح کرده‌اند،^{۴۴} منظور عدم جعل تشریحی است و حداقل این مقوله، از موارد و مصادیق قطعی آیه خواهد بود؛ زیرا آیه مذکور به دلیل وجود نکره (سببلاً) در سیاق نفی آن هم با لفظ «لن» مفید عموم است. در نتیجه مفاد آیه این چنین خواهد بود: مسلمانان وظیفه دارند از پذیرش هرگونه سلطه و استیلای کافران بر خودشان اجتناب نمایند و اشاره شد که بی توجهی به تقویت بنیه اقتصادی، از جمله تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام برای رویارویی با موارد مشابه در عرصه بین‌المللی، به معنای پذیرش سلطه و استیلای بیگانگان و کافران است.

حدیث مشهور: «الإِسْلَامُ يُعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ»؛ «اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) همیشه برتری دارد و

هیچ چیزی بر آن برتری ندارد» که در منابع اهل سنت^{۴۵} آمده و به دلیل شهرتی که دارد، از نظر فقهای امامیه نیز پذیرفته شده است،^{۴۶} در مقام تشریح است؛ یعنی مفاد آن همانند دو آیه قبل، این است که خداوند عزت مسلمانان را لازم شمرده و هیچ حکمی را که موجب برتری کفار بر مسلمانان باشد، جعل ننموده است. از این رو هر اقدامی که موجب برتری جهان اسلام باشد و یا از برتری و سلطه دیگران جلوگیری نماید، لازم و ضروری و آنچه که موجب ضعف آنان و ایجاد سلطه اجانب باشد، غیرمجاز است. بنابراین با همان بیانی که ذیل آیه آمده است، این روایت نیز به نوعی بر ضرورت تلاش برای تحقق اسباب استقلال همه جانبه از جمله استقلال اقتصادی - که تشکیل اتحادیه اقتصادی از جمله آنها است - به روشنی دلالت دارد.

۲) روایات

در میراث به جای مانده از پیامبر (ص) و معصومان (ع)، شواهدی دال بر لزوم تقویت اقتصادی جامعه اسلامی و اهمیت آن وجود دارد که در زیر نمونه‌هایی از آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد:

الف) تأسیس بازار مدینه

در روایتی آمده است که پیامبر (ص) به منظور مقابله با بازار یهودیان بنی قینقاع که در مدینه از اهمیت زیادی برخوردار بود، بازاری را مشخص نموده و مردم را به کار در آن تشویق نمود و دستور داد از کسانی که در آن بازار کار کنند، مالیات اخذ نشود.^{۴۷} در آن زمان مرکز اصلی تجاری مدینه در منطقه بنی قینقاع بود و این امر موجب تسلط اقتصادی یهودیان مدینه بر مسلمان بود و پیامبر (ص) برای مقابله با آن، این اقدام را انجام داد.

همچنین نقل شده است که روزی خلیفه دوم به بازار مدینه رفت. پس از بازگشت، از وی سؤال شد که

۴۰. نساء، ۱۴۱.

۴۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۴۴۵.

۴۲. رک: التنبیان، ج ۳، ص ۳۶۴.

۴۳. رک: احکام القرآن، ج ۲، ص ۳۶۳.

۴۴. رک: القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۸۸؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۴۲۰.

۴۵. رک: سبل السلام، ج ۴، ص ۶۷؛ السنن الکبری، ج ۶، ص ۲۰۵.

۴۶. رک: العناوین الفقهیه، ج ۲، ص ۲۵۳؛ القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۱۹۰.

۴۷. رک: مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۴، ص ۷۶؛ المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۲۶۵؛ کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۴۴؛ فتوح البلدان، ج ۱، ص ۱۵.



بازار را چگونه یافتی یا امیرالمؤمنین؟ پاسخ داد که بیشتر بازاری‌ها موالی و عبید بودند و از اعراب کسی نبود. راوی می‌گوید: احساس کردیم وی را خوشایند نیست. از این روی گفتیم: خداوند به وسیله فیء ما را بی‌نیاز نموده است و بازار را به موالی واگذار کرده‌ایم. خلیفه گفت: اگر خداوند شما و آنها را این‌گونه رها نماید، در آینده البته مردان و زنان شما به مردان و زنان آنها نیازمند خواهند بود.^{۴۸} این برخورد خلیفه نشان دهنده اهمیت امر بازرگانی برای مسلمانان و نیز نشانه اهمیت تمرکز آن در دست آنها است که می‌تواند موجب تشویق مسلمانان برای تمرکز بخشیدن به امر بازرگانی در جهان اسلام شود.

آن روز مدینه جامعه ابتدایی و کوچک اسلامی را تشکیل می‌داد که وجود یک بازار در آن شهر تا حدی پاسخ‌گوی نیاز مسلمانان بود و از نیاز آنها به بنی‌قبیله می‌کاهید. پیامبر(ص) برای تحقق چنین چیزی، شخصاً اقدام نمود و مردم را نیز مورد تشویق قرار داد. اما

جامعه گسترده و پیچیده امروز، وجود اتحادیه‌ای را می‌طلبد که تمام کشورهای اسلامی عضو آن باشند و از امکانات و شیوه‌های جدید تجاری استفاده نمایند، تا از نیاز آنها به قطبهای انحصاری و استعماری جهان بکاهد.

ب) تعامل امام علی(ع) با خلفا در صدر اسلام، در موارد متعددی اتفاق افتاده است که خلیفه جامعه اسلامی موضوع مهمی را با امام علی(ع) مشورت نموده و آن حضرت نیز از روی اخلاص و براساس مصالح جامعه اسلامی پاسخ داده و اکثراً پاسخ وی مورد عمل هم قرار گرفته است. مانند مشورت

نسبت به شرکت شخص خلیفه در جنگ با رومیان و ایرانیان و مواردی دیگر از این قبیل.^{۴۹} اینها می‌تواند به عنوان الگویی رفتاری برای عموم مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد، تا در تصمیم‌گیریها و جهت‌گیریهای

خود، مصالح کل جهان اسلام را مد نظر قرار دهند. ج) ممنوعیت صرافیه برای اهل ذمه نقل شده که امیرالمؤمنین(ع) در نامه‌ای به رفاعه حاکم اهواز دستور می‌دهد که صرافیه‌ها نباید در اختیار اهل ذمه باشند.^{۵۰} در آن زمان احتمالاً صرافیه نقش حساسی در جریان اقتصادی کشور داشته است و حضرت نمی‌خواست با قرارداد این امتیاز در اختیار اهل ذمه، آنها را بر شریان اقتصادی کشور مسلط سازد و موجب ضعف اقتصاد جهان اسلام شود. از سوی دیگر مشاهده می‌شود که امروز برخی از کشورهای اسلامی برای تأمین نیازهای اقتصادی خود، ناچار به انعقاد پیمانهایی با قدرتهای بزرگ جهان می‌شوند که موجب وابستگی به آن قدرتهاست. اگر اتحادیه اقتصادی قدرتمندی در جهان اسلام شکل گیرد، تأمین کننده نیاز آنها خواهد بود و موجب کاهش وابستگی کشورهای اسلامی به استعمارگران است.

د) توصیه به عدم استفاده از کالای اساسی بیگانه امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «لَا تَزَالُ هَذِهِ الْأُمَّةُ بِخَيْرٍ مَا لَمْ يَلْبَسُوا لِبَاسَ الْعَجَمِ وَ يَطْعَمُوا أَطْعَمَةَ الْعَجَمِ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ ضَرَبَهُمُ اللَّهُ بِالذُّلِّ»؛^{۵۱} «این امت مادام که وابسته به لباس و خوراک بیگانه نباشد، شایسته و سربلند است و آن‌گاه که وابسته به کالای آنها شود، ذلیل و خوار خواهد شد». در اینجا عدم استفاده از خوراک و پوشاک عجم مطرح شده، اما چون در مقابل «هذه الامة» آمده، منظور غیرمسلمانان است و در واقع مذموم شمردن وابستگی به بیگانگان به ویژه در مورد کالاهای استراتژیک مورد نظر است.

ه) ضرورت خودکفایی امام صادق(ع) از امیرمؤمنان(ع) نقل می‌کند که فرمود: «تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»؛^{۵۲} «به کارهای تجاری پردازید که بازرگانی

۵۰. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۳۷.

۵۱. المحاسن، ج ۲، ص ۴۱۰.

۵۲. الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹.

۴۸. تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۴۷.

۴۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۴ و ۱۴۶.



شما را از مال دیگران بی‌نیاز می‌کند». از این روایت نیز استفاده می‌شود که اقتصاد جامعه اسلامی باید به گونه‌ای باشد که نیازی به سایر انسانها و جوامع نداشته باشند و در نظام اقتصادی پیچیده امروز که بدون ارتباط با سایر کشورها امکان‌پذیر نیست، این ارتباطات حتی‌المقدور باید در محدوده خود کشورهای اسلامی باشد که این امر در غالب اتحادیه اقتصادی جهان اسلام می‌تواند انجام شود. آنچه از این روایات استفاده می‌شود، این است که کشور اسلامی باید دارای اقتصادی قوی و بی‌نیاز از سایر کشورها باشد و حداقل در مورد کالاهای استراتژیک، به آنها وابسته نباشد. از طرفی ارتباط با سایر کشورها و داشتن رابطه اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین راه‌حل این مشکل این است که کشورهای اسلامی یک اتحادیه اقتصادی تشکیل دهند و نیازهای

خود را از طریق آن تأمین نمایند، تا هم ارتباط خارجی داشته باشند و بتوانند نیازمندیهای خود را از خارج تأمین کنند و هم وابستگی آنها به غیرمسلمانان کاهش یابد.

نتیجه‌گیری

تلاش برای حفظ عزت، اقتدار، استقلال و سربلندی امت اسلامی و جهان اسلام در زمینه‌های مختلف از جمله در حوزه اقتصادی و بازرگانی، لازم و ضروری است. یکی از راههای رسیدن به این مهم در این روزگار «تشکیل اتحادیه اقتصادی جهان اسلام» است. بنابراین براساس ادله ارائه شده، تشکیل اتحادیه یک ضرورت انکارناپذیر است و اندیشمندان و دولتمردان مسلمان وظیفه دارند برای زمینه‌سازی و تشکیل آن تلاش نمایند.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- آرام، غلامحسین، فرهنگ گمرک و تجارت، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله، ۱۳۷۸ ش.
- آلوسی، سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ ق.
- ابن شهبه، عمر بن شهبه، تاریخ المدینه، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- اسدزاده، احمد، نگاهی به تاریخچه فعالیت‌های سازمان همکاری‌های اسلامی، تهران، وزارت نفت، ۱۳۹۱ ش.
- امامی، محمد، «نفی سلطه اقتصادی بیگانه در آموزه‌های قرآنی»، مجموعه مقالات قرآن و اقتصاد، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۵ ش.
- همو، بررسی مبانی فقهی و حقوقی بازار مسلمانان، پایان نامه دکتری، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۵ ش.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، قاهره، مکتبه النهضة المصریة، ۱۹۵۶ م.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.

- بیهقی، احمد بن حسین، السنن الكبرى، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۶۳ م.
- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، مرکز مدارک فرهنگي انقلاب اسلامي، ۱۳۶۱ ش.
- دلاوری، رضا، فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین الملل، قم، دلاوری، ۱۳۸۷ ش.
- سالواتوره، دومینیک، تجارت بین الملل، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۶۵ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه.
- شریفی، محمود و همکاران، موسوعة کلمات الامام الحسین، قم، دارالمعرفة، ۱۴۱۶ ق.
- شهسواری، حسن، نقش اتحادیه اروپا در روند اقتصادی کشورهای خلیج فارس، تهران، دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۹۰ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۲ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، قاهره، مکتبة ابن تیمیة، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن،
- مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ ق.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ ق.
- عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین اعلمی، قم، مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶ ق.
- قانون منشور کنفرانس اسلامي، در: سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامي.
- قربانی لاهیجی، زین العابدین، تفسیر جامع آیات الاحکام، تهران، سایه، ۱۳۸۰ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۵ م.
- کحلانی، محمد بن اسماعیل، سبل السلام، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۹ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ ق.
- مبلخی، احمد، «دلایل فقهی ضرورت تشکیل بازار مشترک اسلامي»، مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۳ ش.
- همو، «مبانی فقهی وحدت از دیدگاه علامه شرف الدین»، مجله کاوشی نو در فقه، شماره ۴۲، زمستان ۱۳۸۳ ش.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
- مجاهد بن جبر مکی، تفسیر مجاهد، اسلام آباد، مجمع البحوث الاسلامیة، بی تا.
- محمد، اویس کریم، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامي آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.



- مراغی، سید میر عبدالفتاح، العناوین الفقہیہ، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- مصباحی، غلامرضا، «اهداف اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات فارسی اولین مجمع بررسیهای اقتصاد اسلامی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶ش.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، القواعد الفقہیہ، قم، نشر الہادی، ۱۴۱۹ق.
- نباطی عاملی، علی بن محمد، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، تحقیق: محمدباقر بہبودی، تهران، المکتبۃ المرتضویۃ، ۱۳۸۴ق.
- ہیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیۃ، ۱۴۰۸ق.



پژوہشکاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

